

- ۱ منظور از «فرهنگ عمومی» جامعه چیست؟
- ۲ اجلاس هزارهٔ ادیان در چه زمانی و کجا برگزار شد و به بررسی چه موضوعی پرداخت؟
- ۳ نمونه‌هایی از معنویت‌های دروغین که در جهان غرب رواج یافته را بنویسید.
- ۴ گریز و رویگردانی از سکولاریسم در جوامع غربی، چه پیامدهای اجتماعی داشته است؟
- ۵ فرهنگ غرب با اصالت بخشیدن به انسان دنیوی در قرن بیستم، موجب چه آسیب‌هایی شد؟
- ۶ مهم‌ترین علت تداوم باورهای دینی و معنوی در زندگی انسان، نیاز به چیست؟
- ۷ طی قرن بیستم، چه موجی باعث بحران معنویت در غرب، افول «سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» شد؟
- ۸ در فرهنگ مدرن، سکولاریسم چگونه مطرح شد و فرهنگ عمومی جامعهٔ غرب چگونه بود؟
- ۹ علت ناسازگاری بین ابعاد معرفتی با نیازهای اقتصادی و سیاسی جهان غرب چیست؟
- ۱۰ دانشمندانی که در اصل روشنگری مدرن تردید کرده‌اند، را می‌خوانند.
- ۱۱ چه عاملی موجب تردید در روشنگری و افول آن در قرن نوزدهم شد؟
- ۱۲ در نیمهٔ اول قرن بیستم و در نیمهٔ دوم قرن بیستم، علم مدرن تجربی در غرب، به چه دلیل زیر سؤال رفت؟
- ۱۳ غرب در قرن نوزدهم، تنها راه پیشرفت دیگر فرهنگ‌ها را چه می‌دانست؟

۱۴ در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان با چه روشی داوری می‌کردند؟ و حضور استعماری غرب را چگونه توجیه می‌کردند؟

۱۵ در دوران رنسانس، جهان غرب برای برون رفت از بحران معرفتی به سوی چه نوع شناختی رفت؟

۱۶ در فرهنگ قرون وسطی در غرب، معتبرترین راه شناخت جهان چه بود؟

۱۷ عمیق‌ترین لایه فرهنگ معاصر غرب که روح و شالوده آن هستند، چیست؟

۱۸ چالش‌های جهانی برخاسته از کدام فرهنگ است و علت آن چیست؟

۱۹ چالش‌های جهانی ابتدا در چه حوزه‌هایی رخ می‌دهد و بعد چه چالش‌هایی ظاهر می‌شوند؟

۲۰ جدول زیر را کامل کنید.

بحران‌های عمیق فرهنگ غرب	پیامدها
بحران معرفتی	
بحران معنویت	

۲۱ اجلاس هزاره‌ی ادیان در آستانه‌ی قرن بیست‌ویکم در نیویورک برگزار شد و در آن، اندیشمندانی از ادیان گوناگون جهان، گرد هم آمدند تا نقش دین را در استقرار صلح جهان بررسی کنند. به نظر شما چرا نشست‌های مشابه این اجلاس طی قرن بیستم برگزار نشد؟ در این باره گفت‌وگو کنید.

۲۲ بحران معنویت چه پیامدهایی داشته است؟

۲۳ جامعه‌شناسان با چه نام‌هایی از بحران معنویت یاد کرده‌اند؟

۲۴ بحران معنویت چه زمانی و چرا در فرهنگ غرب پدید آمد؟

- ۱ آن بخش از فرهنگ که همهٔ مردم جامعه در آن اشتراک دارند، فرهنگ عمومی جامعه را تشکیل می‌دهند.
- ۲ اجلاس هزارهٔ ادیان در آستانهٔ قرن بیست و یکم در نیویورک برگزار شد و در آن سران، متفکران و اندیشمندی از ادیان گوناگون جهان، گرد هم آمدند و به بررسی نقش دین در استقرار صلح در جهان پرداختند.
- ۳ خرافه‌پرستی، شیطان‌پرستی، انواع بازسازی‌شدهٔ ادیان و عرفان‌های شرقی و سرخ‌پوستی.
- ۴ ۱- جست‌وجوی سنت‌های قدسی و دینی توسط برخی از نخبگان جهان غرب.
۲- بازگشت مهاجران ساکن کشورهای غربی به سوی هویت دینی خود.
۳- رونق بخشیدن به بازار معنویت‌های کاذب و دروغین.
- ۵ پوچ‌گرایی، یأس و ناامیدی و مرگ آرمان‌ها و امیدها.
- ۶ نیاز فطری آدمی به حقایق قدسی و ماوراءطبیعی است. یک فرهنگ علاوه بر آنکه به نیازهای جسمانی و دنیوی انسان پاسخ می‌دهد، باید به نیازهای معنوی و قدسی او نیز پاسخ دهد. بی‌توجهی به ابعاد دنیوی و معنوی انسان، موجب بحران در زندگی می‌شود.
- ۷ طی قرن بیستم نه تنها دین از فرهنگ عمومی مردم خارج نشد، بلکه سال‌های پایانی قرن بیستم شاهد بازگشت مجدد نگاه معنوی و دینی به سطوح مختلف زندگی انسان‌ها بود. بعضی از این موج که نشانهٔ بحران معنویت و فرهنگ در غرب است، با عناوین افول «سکولاریسم» و «پساسکولاریسم» یاد کردند.
- ۸ در فرهنگ مدرن، سکولاریسم به صورت آشکار مطرح شد. در این فرهنگ، گرایش‌ها و رفتارهای دینی تنها با توجیه دنیوی امکان مطرح شدن دارند. سکولاریسم در حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم ظاهر گردید و فرهنگ تخصصی این حوزه‌ها سکولار شد، اما فرهنگ عمومی جامعهٔ غربی، آن هم در محدودهٔ زندگی خصوصی، همچنان دینی باقی ماند.
- ۹ متفکران پسامدرن هنگامی در اصول و مبانی فرهنگ غرب تردید کردند که سیاست و اقتصاد جهان غرب، ابعاد جهانی پیدا کرده و نیازمند علمی بود که حضور جهانی خود را توجیه کند، اما اندیشه‌های پسامدرن این ظرفیت را ندارند. ناتوانی جهان غرب برای توجیه حضور جهانی خود، بُعد دیگری از بحران معرفتی - علمی است، یعنی ناسازگاری بین عملکرد اقتصادی و سیاسی غرب با توانمندی‌های معرفتی و علمی آن.
- ۱۰ پسامدرن
- ۱۱ روشنگری مدرن از قرن نوزدهم صورتی تجربی پیدا کرده بود و براساس آن، شناخت غیرتجربی علمی قلمداد نمی‌شد، ولی پس از اینکه مشخص شد، علم تجربی به معرفت‌های غیرتجربی وابسته است، استقلال معرفت علمی - تجربی مخدوش شد و هویت روشنگرانهٔ آن مورد تردید قرار گرفت. تردید در روشنگری به منزلهٔ تردید در هویت معرفت شناختی جهان مدرن بود.
- ۱۲ در نیمهٔ اول قرن بیستم با روشن شدن محدودیت‌های علم تجربی، علم از داورهای ارزشی دست شست و روشنگری مدرن به امور طبیعی محدود شد. در نیمهٔ دوم قرن بیستم با روشن شدن اینکه علم تجربی دارای مبانی غیرتجربی است، علم مدرن زیر سؤال رفت.

۱۳

غرب با ترویج معنای علم مدرن، این مطلب را به نخبگان جوامع غیرغربی القا می‌کرد که پیروی از فرهنگ غرب تنها راه پیشرفت و توسعه دیگر فرهنگ‌هاست.

۱۴

در قرن نوزدهم، جامعه‌شناسان سعی می‌کردند تا درباره حقایقی که پیامبران از طریق وحی درباره جامعه بشری بیان کرده‌اند یا عالمان با استدلال‌های عقلی، به آن رسیده‌اند، با روش حسی و تجربی داوری کنند و روش تجربی خود را تنها راه درست برای شناخت جهان هستی می‌دانستند و براساس همین باور حضور استعماری غرب در دیگر جوامع را توجیه می‌کردند.

۱۵

جهان غرب برای برون رفت از این بحران، به سوی نوعی روشنگری پیش رفت که جایگاه وحی و شهود را در شناخت علمی نادیده می‌انگاشت و به شناخت از راه عقل و تجربه بسنده می‌کرد.

۱۶

در فرهنگ قرون وسطی، کتاب مقدس و شهود آباء کلیسا معتبرترین راه شناخت جهان بود و به موازات آن، شناخت از راه عقل و تجربه نادیده گرفته می‌شد.

۱۷

سکولاریسم، اومانیسم، روشنگری.

۱۸

این چالش‌ها در مواجهه با سایر فرهنگ‌ها به وجود نمی‌آیند و همگی از عمق فرهنگ غرب برمی‌خیزند. علت این چالش‌ها درونی است، نه بیرونی که فرهنگ غرب بتواند آن را به دیگران نسبت دهند.

۱۹

چالش‌های جهانی به تدریج و یکی پس از دیگری آشکار می‌شوند. ابتدا چالش‌های اقتصادی، سیاسی و نظامی رخ می‌دهند و سپس چالش‌های معرفتی، معنوی، اخلاقی و عاطفی ظاهر می‌شوند.

بحران‌های عمیق فرهنگ غرب	پیامدها
بحران معرفتی	شکل‌گیری جریان‌های پست مدرن
بحران معنویت	رونق بازار معنویت‌های کاذب و دروغین

۲۰

در قرن بیستم بشریت به خصوص در قاره‌ی اروپا و آمریکا دائم در گریز از دین و فاصله گرفتن از مبادی دینی بودند، اما علی‌رغم دین‌گریزها، همچنان ادیان الهی در میان بشر زنده است. بشر قرن بیستم در کنار تمام ترقی‌های علمی، با دو جنگ بزرگ جهانی و ۱۵ جنگ خانمان‌سوز منطقه‌ای روبه‌رو بود و همه به خاطر فاصله گرفتن از اخلاق و معنویت بود. این اجلاس در پایان قرن ۲۰ و آغاز قرن ۲۱ این پیام را برای بشریت دارد که باید در کنار همه‌ی پیشرفت‌ها، مجدداً به دین، اخلاق و معنویت بازگشت تا تمامی بیماری‌های خود را با آن مداوا کند.

۲۲

برخی نخبگان غرب در جست‌وجوی سنت‌های دینی برآمدند.

مهاجران غرب به هویت دینی خود بازگشتند.

بازار معنویت‌های کاذب رونق گرفت.

۲۳

پساسکولاریسم، افول سکولاریسم

۲۴

در سال‌های پایانی قرن ۲۰، با وجود حوزه‌های هنر، اقتصاد، سیاست و علم، فرهنگ تخصصی هر یک از این حوزه‌ها سکولار و دنیوی شد ولی فرهنگ عمومی همچنان دینی باقی ماند.